

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

جمعه ۹ شهریور ۱۳۶۳ برابر با ۳۱ اوت ۱۹۸۴
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۲۲

”هفته جنگ“ را به هفته مبارزه با جنگ تبدیل کنیم!

جنگ را که کوس رسد وایی آن دیگر برپا نماند
نواخته شده، توجیه کنند. اظهارات سران
رژیم در هفته های اخیر، حاکی از آنست که
بعد از گذشت ۴ سال از جنگ بی فرجام، هنوز
جنون لشکرکشی رهبران جمهوری اسلامی
فروکش نکرده است، و آنها همچنان در اندیشه
فتوحات موهومی از طریق اقدامات دیوانه وار
نظامی هستند. طرح ارتجاعی و خونریز
”لیک یا خمینی“ کماکان هزاران تن از کودکان
بقیه در صفحه ۳

پنجمین سالروز آغاز جنگ خاندان سوز
ایران و عراق نزدیک است. امسال نیز چون
سالهای قبل، سردمداران رژیم ج ۱۰ می خواهند
با اعلام و برگزاری ”هفته جنگ“، از
جنگ که همه جاد را نظار مردم جهان منور و مذموم
است، تجلیل کنند. آنها ”هفته جنگ“ را
فرصت مناسبی برای دین بازهم بیشتر در تنور
جنگ و ویرانگری می دانند، تا بازهم سیاست ضد
ملی، ضد مردمی، خائنانه و ابلهانه ادامه

انفجار بمب در میدان راه آهن، بهانه ای دیگر برای توجیه گشتهای رنگارنگ خیابانی

در صفحه ۳

بیان صریح يك تصمیم کهنه

پیرامون سیاست اقتصادی رژیم بیان گردید.
سیاست اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی
که در این ملاقات از سوی رهبری حاکمیت (با
صراحتی بیش از گذشته) تبیین شد، در یک کلام
چنین است: ”همه چیز در خدمت سرمایه داران
و تبار بزرگ“ مضمون سخنان این بود که
برای ترکانی بخش خصوصی در تجارت هیچ
بقیه در صفحه ۲

در روز یکشنبه هفته گذشته رئیس جمهور
و نخست وزیر، هیأت وزیران را با خود به همان
برده و ”تیرک“ بختیدند. فتاوی صادره در
این ”شرفیابی“ اگرچه تازه نبود اما در میانه
رویدادهای این هفته، جای مهمی یافت.
دستورالعملهایی که در این ملاقات صادر شد،
تقریباً منحصر به مسایل اقتصادی مربوط بود و
علی الغلا هر بمنظور زد و دین پاره ای شبهات

ساواک جمهوری اسلامی، عاقبتی به مراتب سیاهتر از ساواک شاهنشاهی خواهد داشت

که رای گیری حول ری شهری صرفا دارای یک
جنبه تشریفاتی بوده است. وزارت اطلاعات و
امنیت جمهوری اسلامی مدتهاست که پی رختگی
شده و ری شهری آنرا سرپرستی می نموده است.
ری شهری در جریان محاکمه اعضای حزب
توده ایران در سال گذشته نشان داد که کاملاً
باب طبع رژیم است، و از همین رو این مسند به
بقیه در صفحه ۹

بالاخره وزارت اطلاعات و امنیت
جمهوری اسلامی صاحب وزیر شد. در تاریخ
۲۴ مرداد ماه، ری شهری با ۱۷۶ رای موافق
۱۰ آرای مخالف و ۱۳ رای ممتنع رسماً بر کرسی
ساواک جمهوری اسلامی تکیه زد. از مقایسه
بحثهایی که حول این وزیر با بحثهایی که حول
وزرای دیگر در مجلس در گرفت چنین بر می آید

یورش وسیع به خلق کرد و همدستی با رژیم دست نشاندۀ ترکیه

در صفحه ۳

زیر هزار تیغه خنجر

در صفحه ۶

هجوم بزرگ مالکان
و کلان سرمایه داران
و آغوش باز ج ۱۰.

در صفحه ۲

خاورمیانه: دیپلماتها یا ژنرالها؟

در صفحه ۴

راهپیمایی و جشن نیروهای صلح دوست درلس آنجلس



در راهپیمایی و جشن
۵۰۰ شهروند آنجلس که
تحت عنوان ”روزنا“ برگزار شد
و بیش از ۵۰۰۰ نفر در شرکت
داشتند، رفقای ماه به همراه
همبستگی با خلقهای ایران
(در جنوب کالیفرنیا) پس
برگزاری نمایشگاه و پخش اعلامیه
افشاگری وسیعی در مورد رژیم
جمهوری اسلامی و سیاست
خائنانه آن مبنی بر تداوم جنگ
باعراق به عمل آوردند.

در صفحه ۱۰

جنگ را قطع کنید! مردم صلح می خواهند

بیان صریح يك تصميم كهنه

بیان تازه تصمیم کهنه (که از نظر صراحت کمی تاریکی دارد) از سویی پیام به طیف رنگارنگ دشمنان مردم بود. یکبار دیگر به آنها اعلام شد که آنچه که می‌خواهید، می‌کنیم، رژیم جمهوری اسلامی را از آن خود بدانید و یکپارچه تر در برابر مبارزه رو به گسترش مردم از آن پشتیبانی نمایید. از سوی دیگر، در شرایطی که مقام و متفازیننده مردم، کار حکومت را برای مرمت همه نظام پیشین مشکل ترمی کند، شلاقی بود که برگزده اسبان آرا به، به گل نشسته دولت فرو آمد تا بتواند بر مقام و مت مردم چیره شده و نظام غارتگری بی بند و بار را گسترش دهد.

اما آنچه که بر تشنه و بحران در میان حاکمیت و درون طیف مرتجعین دامن زده است آنچه که آرا به حکومت را به گل نشانده است، ابهام در اهداف نبود که با این سخنان مرتفع شود. مدتهاست که همه دست اندرکاران می‌دانند چه می‌خواهند و چه می‌کنند. بحران و تشنه بخاطر راهی است که حکومت در پیش گرفته است و در این راه که دیگری بازگشت شده، از گسترش بحران گریزی نیست.

شده است. گوشه‌های فرشته عدالت جمهوری اسلامی (که حتی ظاهرش هم شباهتی به فرشته ندارد) تنها برای شنیدن "شکایات" دشمنان مردم علیه مردم بازی شود. وزارت دولت توان خود را برای ایجاد چنان وضعیتی به کار گرفته، تا حتی سرمایه داران بزرگ فراری را هم به تأیید صلاحیت مرتجعین حاکم برای جانشینی شاه منقرض وادارد و به سرمایه داران و اموال سابق بازگرداند. دولت برای پاسخ دهی به حرص و آز بی حد کلان سرمایه داران، بزرگ مالکان و تجار عمده بازار آنچه که توانسته کرده است.

اگر در "هفته دولت" کارنامه دولت موسوی در خدمت به دشمنان مردم، ارزیابی شود، مطمئناً بدون تجدیدی قبول می‌شود. کما اینکه هیأت متحنین نمایندگان ارتجاع در مجلس، بهر صورت به آن نمره قبولی دادند. پس چه نیازی به تشریح مجدد اهداف حاکمیت برای قوه مجریه بود؟

بقیه از صفحه اول
محدوده ای نباید وجود داشته باشد. اگر سر نوزهم در این زمینه قوانین محدود کنند تا باقیمانده، باید از پیش پایشان برداشته شود. برای بخش خصوصی در عرصه تجارت هیچ مرزی ترسیم نشد. در عوض مرز بخش دولتی رسم گردید. این مرز همان توانایی و امکانات تجار بزرگ است. بخش دولتی در تجارت تنها باید به عرصه‌هایی محدود شود که سرمایه گذاری در آن برای بخش خصوصی مقرون به صرفه نباشد. شرط اینکه لقب "دولت موفقی" باقی بماند، توفیق دولت در عمل در این راستا خواهد بود. عنايات مبذوله تنها شامل "تجارت مسلمان" که با پرداخت سهم امام و وجوه شرعی، سردمداران حاکمیت را "نک گیسر" کرده اند، نشده است. به دولت سرمایه داران یکبار دیگر تاکید شده که به وظایف خود در قبال آنها، در همه عرصه‌ها باید عمل نماید. از این رو دولت موظف شده که اگر برای گستره فعالیت بخش خصوصی در صنعت، هنوز هم قید و بندی باقی است، آنرا رفع و رجوع نماید. محدودیت بخش دولتی در این زمینه نیز توسط بخش خصوصی تعیین می‌شود. در این عرصه، گشاده دستی حاکمیت جمهوری اسلامی تنها به سرمایه داران و صاحبان صنایع "مسلمان" منحصر نمائند. به دولت یادآوری شد که برای ایجاد شرایط مورد نظر سرمایه داران فراری مقیم اروپا و آمریکا باشتاب بیشتری تدابیر مقتضی را اتخاذ نماید. تا به این ترتیب جمع مرتجعین جمع شود.

این سخنان، سخنانی تازه نبود. مدت‌هاست که حدیث مکرر مسئولین حکومت شده است. هر یک از گردانندگان رژیم به اندازه وسع خود به آن پرداخته اند. در عمل نیز مدت‌هاست که سرنیزه‌های گمشدگان و پاسداران رژیم در خدمت استرداد اموال کسانی قرار دارد که انقلاب از آنها سلب مالکیت کرده بود. پس چه نیازی به تکرار مکررات کهنه برای وزیران جمهوری اسلامی بود؟ مگر کاری که همه آنها به آن مشغولند، چیزی جز اجرای رهنمودهای "تازه" است؟ وزارت خانه‌های کشورهای روسکن و شهرسازی چه می‌کنند جز حفظ حریم حرفت زمین خواران زالوصفت؟ وزارتخانه‌های صنایع و صنایع سنگین در گزارش دستاوردهای خود، تعداد واحد های کمی که سرمایه داران بزرگ در صنعت در حال اجرا دارند را ردیف می‌کنند. وزارت اقتصاد و سیستم بانکی کشور اعتبارات و امکانات را برای سرمایه داران در طبق اخلاص می‌گذارند. وزارتخانه‌های کشاورزی و جهاد سازندگی مدت‌هاست دریافتند که آنچه بزرگ مالکان می‌خواهند چیست و جز در راه آن گامی بر نمی‌دارند. وزارت بازرگانی به نوکری جیره و مواجب (و یا باجیره و مواجب) تجار بزرگ تبدیل

هجوم بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران و آغوش بلزج ۱۰.

روستایان اجرای حکم به تعویق افتاد است. استر دادکارخانه البرز به صاحب قبلی آن در شرف انجام است.

● خسرو شاهی سرمایه دار معروف فراری، اقداماتی را برای پس گرفتن موسسات سابق خود، از جمله کارخانه تولید روغن آغاز کرده است. گویا دولت نیز علی‌الاصول با این کار موافق است. مذاکرات جریان دارد.

● کارخانه چینی بهداشتی پارس (سازنده لوازم دستشویی، حمام و...) واقع در جاده قدیم تهران - قزوین به حاجی برخسور ۱ سرمایه دار بزرگ، برگردانده شد. مذاکره برای تحویل کارخانه کاشی پارس به همین شخص ادامه دارد.

● واحد تولیدی ایران سیلندر، اخیراً به بخش خصوصی واگذار شد.

● کاشانی مالک سابق کارخانه کاشی سعدی برای پس گرفتن آن در حال مذاکره با دولت می‌باشد. گویا دولت فعلاً او را دعوت به عضویت در هیأت مدیره کارخانه کرده است. اما او نپذیرفته و مالکیت کامل را مطالبه می‌کند.

● آقای کشا و رزمین خوار بزرگ و مالک سابق قسمتی از اراضی سلیمانیه، بابت مصادره این اراضی، تقاضای ۳۰۰ میلیون ریال خسارت کرده است. دولت با پرداخت رقبی کمتر از این موافقت کرده است که زمین خوار مذکور رضایت نمی‌دهد.

غارتگرانی که به دنبال انقلاب از آنها سلب مالکیت شده بود دسته دسته باز می‌گردند. بنیاد مستضعفان که بخش قابل توجهی از اموال مصادره شده را سرپرستی می‌کند، رسماً "سیاست" خانه تکانی را در پیش گرفته است. مقامات دولتی با گستاخی از استرداد واحد های مصادره شده دفاع می‌کنند. موارد زیر تنها نمونه‌هایی از آن است:

● در اهواز قبایلی و مهندس نجف‌سی و سرمایه دار بزرگی که پس از انقلاب بازداشت و زندانی شده بودند، با حمایت مسئولین شهر توانستند شهرکی را که پیش از انقلاب در تصرف داشتند، پس بگیرند. مسئولین دولتی، ساکنین شهرک را وادار به تخلیه می‌نمایند. این‌ها و سرمایه دار درصد فروش واحد های مسکونی، به بهانه در واحد و میلیون تومان، می‌باشند.

● گفته می‌شود دولت تصمیم گرفته است کارخانه آلومرول اراک را به صاحبان فراری آن، خسروانی و فظلی بازگرداند.

● سرگرد جان پناه سرمایه دار بزرگی که پیش از انقلاب اراضی بسیار و تاسیسات گاو داری عظیمی در اختیار داشت، اخیراً توانست با حکم دستگاه قضایی جمهوری اسلامی مجدداً آنها را تصاحب کند.

● در اراک و لرستان دو فئودال معروف به نامهای ابو الفضل خاکباز و امیر حسین تاج بخش، با حمایت کروی حکم تصاحب مجدداً ملک خود را دریافت کردند. اما با هراس از مقاومت جدی

انفجار بمب در میدان راه آهن، بانه ای دیگر برای توجیه گستهای رنگارنگ خیابانی

روز پنجشنبه اول شهر یور ماه جاری بمب نبر و مندی در میدان راه آهن تهران منفجر شد که منجر به کشته شدن ۱۹ نفر و مجروح شدن بیش از صد نفر از همپیمانان گردید، این اقدام جنایتکارانه به لحاظ شیوه عمل، همانند بمب گذاری در میدان تویخانه و نظایر آن است. بمب گذاریهایی مذکور بنا بر گفته خود رژیم کار مزدوران رژیم عراق بوده است. در مورد بمب گذاری اخیر هاشمی-رفسنجانی در نماز جمعه هفته گذشته تهران، مشی پرت و پلا تحویل مردم داد و آنرا به نیروهای گوناگون و بعضاً متضادی منتسب ساخت. رفسنجانی از تقارن این بمب گذاری با شروع هفته دولت که به زعم او از جانب سازمان مجاهدین هفته تبلیغ بر روی ضرورت صلح اعلام شده، نتیجه گرفت که این اقدام جز سلسله فشارهایی است که برای پایان دادن به جنگ به رژیم ایران وارد می شود و متعاقب آن کوشید تا یکبار دیگر عریه های جنگ طلبانه در فضای دانشگاه تهران طنین افکن شود.

از عوامل رژیم عراق و مزدوران نیروهای سلطنت طلب که بگذریم، تنها جریانی که می تواند مسبب این بمب گذاری در منشانه، قلداد گردد خود ایادی رژیم است. رژیم ناچار است در نزد مردم گستهای رنگارنگ خود را که خیابانهای تهران را قرق کرده اند، توجیه کند و چه توجیهی بهتر از این بمب گذاری، حتی اگر کار مزدوران عراق باشد!

"هفته جنگ" را به هفته مبارزه با جنگ تبدیل کنیم!

باد لارهای نفتی تحویض نماید و چوب حراج به نفت که عمدتین ثروت ملت های مسلمان منطقه است نیز بزند. بدین ترتیب، حالت "نه جنگ، نه صلح" به نوعی برای چپا و لگران غریبی مفید است.

اما همه اینها، رژیم اسلامی را از صراحت ادامه جنگ و بیرانگیزی دارد. جنگ، از نظر ارتجاع ایران، هنوز هم محلی برای بازسازی مناسبات غارتگرانه سرمایه داری و وابسته، و نزدیک ترین راه برای احیای روابط و دوستی و اتحاد با امپریالیست ها و ارتجاع منطقه، و نیز سریوشی برد ماندگی رژیم دریا سخگویی به مطالبات توده های مردم و ابزاری برای تشدید جو سرکوب و اختناق و ترور فاشیستی است. از همین روست که رژیم به میل خود، ارتداد و جنگ چشم پوشی نخواهد کرد و تن به آتش بس و صلح پایدار نخواهد داد. تنها اقدام مشترک و هماهنگ تمام احزاب و سازمانهای صلح دوست در ایران و کلیه نیروهای ترقیخواه در سراسر جهان، در جهت سازمان دادن اعتراضات هر چه وسیع تر به ادامه جنگ و بیرانگی، می تواند

سدهی در مقابل جنون جنگ افروزی رهبران جمهوری اسلامی برپا دارد. با در نظر داشت این واقعیت است که سازمان ماتنه ها را به مبارزه با جنگ را نشان داده است: "مصلح مردم ایران حکمی کند که آنها هفته جنگ رژیم را به هفته مبارزه علیه جنگ تبدیل کنند. ما همه سازمانها و محافل صلح دوست ایران را دعوت می کنیم با اقدام وسیع و متحدانه در هفته جنگ، تلاشها و تبلیغات جنگ افروزان رژیم را افشا و رسوا سازند." (کار شماره ۶)

بقیه از صفحه اول
و نوجوانان کشورمان را با انواع فشارها و حیلها روانه کشتارگاه جنگ می کند.

با اینکه بن بست نظامی جنگ، تنفس روزافزون مردم از جنگ و جنگ افروزی و گسترش حرکت های اعتراضی جمعی و انفرادی آنان علیه بسیج نظامی ضد مردمی رژیم، و افزایش فعالیتها بین المللی نیروهای صلح دوست در سراسر جهان، سران جنگ طلب جمهوری اسلامی را با کلاف پیچیده و سردرگمی در رابطه با جنگ رو برو کرده است، با این حال آنان هنوز در تنور جنگ می دند و بر طبل و بیرانگی و سیاه روزی می کوبند. مرتجعین حاکم که در پی شکست های خونین در آخرین عملیات نظامی، ناگزیر به توقف تهاجمات جنون آمیز در طی ۶ ماه گذشته تن داده اند، اما هماینگ دو رجیدی از تقویست جبهه ها با نیروهای تازه نفس و تبلیغ شعار ارتجاعی "جنگ، جنگ، تا پیروزی!" آغاز شده است. رفسنجانی سخنگوی حکومت در نماز جمعه ۲ شهریور تهران باردیگر موضع ارتجاعی رهبری جمهوری اسلامی را تکرار کرد که "جنگ، همانطور که ما گفتیم و هزار بار دیگر هم، هر کس بپاید همین رامی گوئیم، فقط مو قعی پایان پیدای کند که صد ام حزب بعث از عراق کنده شده باشند و مردم عراق آزاد شده باشند."

روزنامه های مجاز، و بو یژه ورق پیاره حزب حاکم، باز به تکرار رجزهایی می پردازد که تا به حال دهها بار قبل از تهاجمات نظامی نافرجام رژیم، گفته اند. روزنامه "جمهوری اسلامی" کهاکان برای فریب عده قلیلی که هنوز ممکن است نیرنگ "پیروزی نظامی، رابا و رکند، خاتمه جنگ رابه یک" حمله نهایی "دیگرمو کول می کند.

و قاحت و گستاخی تبلیغاتی های رژیم در آنجاست که در حالیکه خود در ارتجاع حاکم تا گلوگاه در منجلاب خیانت و سازش با امپریالیسم جهانی فرو رفته، هنوز زمیند گو یایان "استکبار جهانی" (لقبی که زمانی برای مجموعه های نا همگون و مو هو مارکس و هابکاری رفت) است که صلح می خواهد. آنها قصد دارند این دروغ غریز را همچنان القا نمایند که "جنگ با عراق، جنگ با آمریکا است. تا با این فریب، برای ماجراجوییهای جنایتکارانه خود در قریانی های با زهم بیشتر صید کنند. اما کیست که نداند بیشترین "برکات" جنگ نصیب امپریالیسم امریکایی گردد. ادامه جنگ در نتیجه پافشاری جمهوری اسلامی بر شرط احقانه "سقوط صدام" برای مذاکرات صلح، به پنتاگون امکان داده است با بالاترین میزان از تمرکز قوای نظامی خود در خلیج فارس، خطری جدی برای امنیت منطقه بوجود آورد. حتی روزنامه جمهوری اسلامی در سرفاله ۲۷ مرداد خود می نویسد: "از این رهگذر (جنگ ایران و عراق) غرب هم توانست در آشفته بازار منطقه از یک سو منافع خود را حفظ کند، و از سوی دیگر، سلاحهای مانده در رزادخانه های خود را

یورش وسیع به خلق کرد و همدستی با رژیم دست نشانده ترکیه

مصاد می دهند - جنبه دیگر این تبلیغات و قیحانه - منهای بزرگ نمایی ها و دروغ پردازیها همیشگی رژیم - مترادف ساختن فرزندان رزمندگان خلق کرد با نیروهای عراقی است.

عملیات رژیم در کردستان اکنون در عدد تا در مناطق پیرانشهر، سردشت و مهاباد تمرکز یافته است. برخلاف تبلیغات دروغین رژیم، ارزش نظامی این عملیات علیرغم گستردگی آنها چندان قابل توجه نیست. ماشین جنگی رژیم در کردستان می کوشد یک جنگ جبهه ای را به نیروهای پیشمرگه تحمیل کند. تا در این رابطه از قدرت آتش خویش که سبانه روستا های بی دفاع را با خاک یکسان می سازد، بعنوان عامل برتری خویش بهره جوید. رزمندگان دلاور کرد با هوشیاری، کاردانی و برتری روحی خود و حمایت توده ای عظیمی که در

رزمستان طولانی و سرد کردستان که معمولاً از اوایل آذر آغاز می شود، نزدیک است و از همین رو رژیم فعالیت های سرکوبگرانه گسترده خود را در این منطقه سرعت بخشیده است تا به زعم خود به موفقیت هایی دست یابد و بتواند حرم پایگاههای اصلی خود را گسترش بخشد و آنها را از زیر ضرب نیروهای دلاور پیشمرگه خارج سازد. در حالی که جبهه های جنگ با عراق دچار یک بن بست بی سابقه گردیده اند، هدف دیگر رژیم از گسترش بخشیدن به حملات خود در کردستان آن است که برای بق و کرنا هسای تبلیغاتی خود د خوراک تهیه کرده و جنون جنگ طلبی و خونخواری خود را ارضاء کند. در همین راستا سبکه اطلاعیه های "قرارگاه حمزه و ستاد مشترك ارتش" به گونه ای تنظیم می شوند که گمان رود ماشین جنگی رژیم در کردستان به صورت جنبی با نیروهای پیشمرگه درگیرند و در اصل با عراق

خاورمیانه: دیپلماتها یا ژنرالها؟

تفسیری از * دیپتری ولسکی ("عصر جدید" - شماره ۳۲)

۱- غیرمجاز بودن دست‌یازی به خاک دیگران از طریق تهاجم. بر این مبنی اسرائیل باید همه مناطق را که از سال ۱۹۶۷ بدین سبب اشغال کرده است، به اعراب پس بدهد.

۲- تضمین حق مسلم خلق فلسطین در تعیین سرنوشت خود و در تشکیل یک دولت مستقل در مناطق فلسطینی - کناره غربی رود اردن و نوار غزه - که از اشغال بیرون خواهد آمد. بدیهی است که دولت مستقل فلسطینی، پس از تأسیس، نوع روابط خود را با کشورهای همسایه راساً تعیین خواهد کرد و در باره احتمال تشکیل یک کنفدراسیون نیز تصمیم خواهد گرفت.

۳- باز پس دادن بخش شرقی بیت المقدس، که باید جز لاینفک دولت فلسطین باشد.

۴- تضمین واقعی حق همه دول منطقه مبنی بر موجودیت و رشد مطمئن و مستقل.

۵- پایان دادن به وضعیت جنگی و انعقاد صلح میان کشورهای عربی و اسرائیل.

۶- تضمین های بین المللی برای این راه حل. اتحاد شوروی همچنین راه های نیل به این اهداف را نیز بر شمرده است: مذاکرات در چارچوب یک کنفرانس ویژه بین المللی در باره خاور نزدیک، تحت نظر سازمان ملل متحد و با شرکت ضروری سازمان آزاد پیش فلسطین.

ابتکار جدید شوروی، بر مبنای زمینه های که جریان زندگی و روند رویدادها به وجود آورده است، ارائه گردید.

پرزده و کوتیار، دبیر کل سازمان ملل متحد، در سفر اخیر خود به خاور نزدیک، موافقت اکید خود را با تشکیل یک کنفرانس بین المللی برای بررسی مسئله خاور نزدیک اعلام کرد. و البته به این نیز اکتفا نمود. وی با آوردن دلایلی، ضرورت فوری فرا خواندن چنین کنفرانسی را ثابت کرد. نه تنها سیاستمداران طراز اول کشورهای متمدن منطقه، بلکه حتی دولتمردان عربی نظیر مبارک رئیس جمهور مصر و حسین شاه اردن اخیراً از این ایده جانبداری کرده اند. میتران رئیس جمهور فرانسه نیز که در تابستان به برخی کشورهای عربی سفر کرد، در این باره با لحن تأیید آمیزی سخن گفت، بدو اینکه بخواهیم همه مقاصد او را از گرفتن چنین موضعی نام ببریم: یاد آوری، شوم چنین موضعگیری ای، بدو توند تردید بازتاب جوی است که در اروپای غربی گسترش زیادی یافته است. در آنجا، عللی برای این بیم وجود دارد که یک جنگ جهانی آغاز شد. در خاور نزدیک، ممکن است در وهله اول در اروپا گسترش یابد.

بخاطر داریم، این پرزیدنت ریگان است که در طول دوران ریاست جمهوری خود تا کنون پنج بار پیش بینی کرده است وقایع خاور نزدیک ممکن است به یک فاجعه عمومی منجر شود. بدین ترتیب خود او نیز اعتراف می کند، اگر آمریکایی ها

واشنگتن آنها را به صدا در آورده است. این بار به خاطر وضع خاور نزدیک، البته نه برای اشغال جنوب لبنان توسط اسرائیل، تشنج در دره بقاع و یا جنگ میان ایران و عراق. این همه، برای او کاملاً مطلوب است. پس از آنکه واشنگتن، به تعبیر "اکنونیست" چاپ لندن، در لبنان "بایبنی زمین خورد"، رویاهای آمریکا و قبل از همه خیال واهی آن در باره قدر قدرتی خود و ضعف دیگران در خاور نزدیک، نقشش بر آب شده است. این توهم را دیگر به هیچ کس نمی توان القا کرد. از این رو، در واشنگتن جنون خود بزرگ بینی جای خود را به جنون احساس خطر می دهد. احساس خطر از جانب چه کسی؟ مسلماً اتحاد شوروی، اگر بخواهیم نوشته "واشنگتن تایمز" را باور کنیم، "اتحاد شوروی با توجه به شکستهای متعدد سیاست خاورمیانه ای دولت ریگان، دست به اقدامات شدیدی برای گسترش نفوذ خود در این منطقه ناآرام میزند."

ابتکار جدید و بهانه های قدیمی

چه چیز اتفاق افتاده است؟ چرخش به چپ در یک کشور عربی، بطوریکه بتوان طبق معمول مسئولیت آن را به "عوامل شوروی" نسبت داد؟ و یا اینکه کشتی جنگی "کیروف" شهرهای یک کشور متحد آمریکا در خاور نزدیک را مورد حمله قرار داده است؟ یا اتحاد شوروی به دنبال بدست آوردن یک پایگاه نظامی در گوشه ای از این منطقه است؟

نه، هیچ کدام. "واشنگتن تایمز" هم جرأت نمی کند خلاف این ادعا کند. اما در عوض، این روزنامه با لحن وحشت زده ای از مبادله سفیر میان مسکو و قاهره که اخیراً صورت گرفت؛ از دیدار وزیر دفاع کویت از اتحاد شوروی، از تلاشهایی به منظور برقراری تماس با کشورهای سوسیالیستی که اخیراً در برخی از سایر کشورها، در کشورهای محافظه کار عربی مشاهده می گردد، خبر می دهد. "واشنگتن پست" معتقد است کشورهای "میانہ ر و غرب" آنطور که در غرب نامیده می شوند - اجازه ندارند دیپلماتهای شوروی را بپذیرند، اجازه ندارند به مسکو یا پراگ وزیر بفرستند و بایستی حتی المقدور خود را با یک "پرده شنی" از جامعه کشورهای سوسیالیستی جدا کنند. و الا امری وحشتناک و غیر قابل جبران به وقوع خواهد پیوست، و این امر عبارت خواهد بود از اینکه گرایشی بسوی عادی شدن اوضاع عمومی در خاور نزدیک، و بسوی حل مسالمت آمیز مسائل این منطقه، دست بالا را خواهد گرفت. روندی که کشورهای سوسیالیستی به تحقق آن بسیار ذی علاقه اند.

این مضمون اصولی، تبلور خود را در پیشنهاد های اتحاد شوروی برای حل مسئله خاور نزدیک، که اواخر ژوئیه منتشر شد، نشان داد. اتحاد شوروی شش اصل را پیشنهاد کرد:

خواهان ناپودی جهان نیستند، میبایستی در این باره ببند باشند، که چگونه می توان بین خاور نزدیک را خنثی کرد. تا چه رسد به اسرائیلی ها که دولت آنها چاشنی این انفجار جهانی، و نتیجتاً نخستین قربانی آن خواهد بود.

تناقض های خطرناک

متأسفانه هرگاه سخن از یک کنفرانس در باره مسئله خاور نزدیک و بطور کلی از گامهایی در جهت حل عادلانه این بحران می رود، در واشنگتن و تل آویو به گوشه پنهان فرو می کنند. از این هم فراتر، با ناسان این تصور دست می دهد که اینک دولت آمریکا دیگر فقط به منظور انحراف افکار از دهان، از یک راه حل مسووری به سبک کمپ دیوید و یا "طرح ریگان" جانبداری می کند. و یا دقیقتر بگوییم، به منظور فریب اعراب و افکار عمومی جهان، و در حقیقت بدنبال مقاصد و نقشه های دیگری است. از جمله، نتایج تسبنا غیر منتظره انتخابات ۲۳ ژوئیه در اسرائیل انسان را وادار به نتیجه گیری فوق می سازد. این انتخابات، علیرغم اغلب پیش بینی ها و نظرها، نتایج متعددی که پیش از آن انجام گرفت، نه به پیروزی اپوزیسیون "حزب کار" که به نوعی از بن بست و "پات" شدن انجامید. ائتلاف دولتی لیکود، که بسیار کمتر از آنچه انتظار می رفت کرسی از دست داد، می تواند به اتفاق "حزب کار" یک دولت وحدت ملی تشکیل داده و یا با گروه بندی های ماوراء راست که در "کنست" (پارلمان اسرائیل) کرسی های نسبتاً زیادی کسب نمودند، ائتلاف کند، گروه های راست، بخشی از آرای کسانی را به دست آورده اند که از نظام دو حزبی سرخورده شده و یا از تلفات جنگ لبنان و همچنین بحران اقتصادی، ناراضی اند. چنین تناقض هایی، پیش از این و در دوره های دیگر، در سایر کشورها وجود داشته است.

اما یک تناقض دیگر هم وجود دارد: بر خلاف لیکود، که "طرح ریگان" را رد کرد، "حزب کار"ی ها آن را، بطور کامل مشهود با قصد جلب حمایت آمریکا، ستوده و مورد استقبال قرار دارند. آیا محاسبات آنها درست از آب در آمد؟ بطور رسمی، وزارت خارجه آمریکا موضع بیطرفانه ای اتخاذ نموده و اظهار اطمینان کرد که "همکاری نزدیک معمول بین اسرائیل و آمریکا، صرف نظر از اینکه کدام حزب پیروز شود، تغییری نخواهد کرد." بدیهی است وزارت خارجه آمریکا از دلایل کافی برای داشتن چنین اطمینان "بی طرفانه" را ندارد، چرا که هر دو حزب رقیب بورژوازی، در اسرائیل در مقابل کشورهای عربی بطور "غیر قابل تخیر" از سیاست توسعه طلبانه ای پیروی نموده و تابع واشنگتن هستند. تفاوت، تنها در تاکتیک ها و ظرافت های سیاسی است. اما ظاهراً همین ظرافت ها، موضعگیری دولت کنونی آمریکا را تعیین کرده است. روشن است که این دولت، از لحاظ ایدئولوژیک با لیکود احساس نزدیکی بیشتری می کند، بقیه در صفحه ۵

گزارشی از بندر ترکمن

و صل کرد . مردم از دخالت ، هدف و روش ا و ناراضی بودند . بویژه از تمجید و توجه او نسبت به سرمایه داران خشمگین شدند . و قتیکه نوبست بیک سرمایه دار مغرور رسید ، نفرت مردم اوج گرفت . این سرمایه دار که مهندس و صاحب چند کارخانه و مستغلات زیادی می باشد ، در برابری هزار تومان رقم پیشنهادی فرماندار ، پنجاه هزار تومان پرداخت کرد . به دنبال آن مردم خشمگین ابتدایک به یک و سپس دسته جمعی ، بی آنکه نامعید فطربا را آوارند ، شروع به خروج از محل کردند . پاسداران و مامورین شهریانسی کوشیدند از خروج مردم جلوگیری نمایند . اما با اینکه درهای محل را بستند راه به جایی نبردند . مردم از در و دیوار لاف زده و خارج شدند و فرماندار را با سرمایه داران به حال خود درها کردند .

و نه فقط در چارچوب منطقه ای ، دنبال می کنند . از این رو ، واشنگتن اساسا از تجاوز کارترین محافل تل آویو حمایت نموده و علا ، ماشینی جنگی اسرائیل را به سیستم نا تو متصل ساخته است . روشن است که این امر تا چه حد برای اسرائیل خطرناک است ، آنقدر خطرناک که حتی نظامیان اسرائیلی را هم نگران می سازد . البته دولت شامیر در ازای موافقت با خواسته های دولت آمریکا " در مواقع ویژه " ، به نوشته همان مقاله " نیویورک تایمز " بهای بهمان انداز سنجین طلب کرده است . حمایت عملا بلا قید و شرط با ماجراجوی بیبهای جدید اسرائیل علیه کشورهای عربی ، بدین گونه ، اهداف تجاوز باز کارانه و واشنگتن و تل آویو درهم آمیخته و به تهدیدی علیه دیگران تبدیل می شود . شواهد انکارناپذیری حاکی از آنست که - آنگونه که یک روزنامه نگار غربی نوشته است - در خاور نزدیک " تصمیم گرفته اند بگذارند ژنرالها بجای دیپلماتها سخن بگویند " .

اما بازتاب و سیع ابتکار جدید شوروی نیز نشان می دهد که نمی توان باغل و زنجیر جلوی دیپلماسی را گرفت ، به ویژه که با وجود همه تلاشهای دشمنان صلح ، در خاور نزدیک روند ها تشییت مهمی نظیر عادی شدن او ضاع لبنان به چشم می خورد . سوریه ، کشور همسایه لبنان ، در راه تسریع این روند می کوشد ، و یک نمونه آن هلاکات پرزیدنت اسد با کرامی نخست وزیر لبنان است . بعلاوه آیا آغاز حل و فصل اختلاف در جنبش فلسطین نمودی از این روند نیست ؟ همچنین باید یادآور شد که در انتخابات اسرائیل نیز نیروهای صلح دوست به رهبری حزب کمونیست ، علیرغم شدیدترین جوسازیها ، مواضع خود را در بارلمان حفظ کرده و حتی تحکیم نمودند .

سخن گو تا ، نقشه های جغرافیایی در ستاد های نظامی با واقعیت صحرایا و کوه های خاور نزدیک به کلی متفاوت است .

در ترکمن صدارت به یک سنت قدیمی در اعیاد مذهبی از سوی معتمدین محلی کمکهای بی به منظور کارهای عمرانی و یاری به مستمندان جمع آوری می شد . این کمک بطور دا و طلبانه از سوی توده مردم پرداخت می شد و کسی به مبلغ پرداختی توجهی نداشت . اما امسال در بندر ترکمن فرماندار ، شکل سنتی دریا فت کمک را نیز پرفت . او در روز عید فطرد رحالیکه گروهی از پاسداران مسلح راه همراه داشت ، به محل برگزاری نماز عید آمده و یارفتن پشت تریبون اعلام داشت ، کمکهای این روز مختص جبهه های جنگ خواهد بود و خود آنها را جمع آوری می کند . فرماندار لیست تنظیم شده ای از ثروتمندان شهر به همراه داشت و از پشت تریبون هر یک از آنها را مخاطب قرار داده و می خواست میزان کمک به جبهه را اعلام نمایند . در چنین جوی مبالغه قابل توجهی

توسعه علیه پایگاههای آمریکا در یونان ، اختلاف میان یونان و ترکیه ، که پس از اعلام " دولت مستقل " در آن نواحی از قبرس که تحت اشغال ترکیه است ، لا گرفته ، و بالاخره شکست تلاش " نیروهای چند ملیتی " ناتو به سرکردگی تفنگداران دریایی آمریکا به منظور ایجاد یک پایگاه تدارکاتی در لبنان ، آیا دیگر لازم است باز هم تاکید شود که برای واشنگتن اهمیت روابط نظامی با اسرائیل ، تحت شرایط حاضر افزایش یافته ، بطوریکه تبلور خود را در قرار داد فوق الذکر پیرامون " اتحاد استراتژیک " نشان می دهد ؟

در اینجا یک جهش کیفی مطرح است . نیویورک تایمز در همان مقاله ۱۲ ژوئیه از توصیه های پنهانی دولت آمریکا به رهبران لیکود نام می برد و از سیاست مهم تری را نیز فاش می سازد : " مذاکرات پنهانی میان اسرائیلی و آمریکا در باره طرحهای نظامی ، بیش از پیش حول این نکته متمرکز می گردد ، که چگونه میتوان با اتحاد شوروی در این منطقه مقابله نمود ... منظور چیست ؟ قضایا تنها به آمادگی اسکله های توقف و تعمیر در حیفا و سایر بنادر اسرائیل برای پذیرش ناوگان ششم آمریکا ، یا انبار کردن " ذخیره های ضروری " اسلحه آمریکایی در اسرائیل ، و یا امکانات عیاشی برای ملوانهای آمریکایی در آنجا ، محدود نمی شود . این همه ، در گذشته نیز اعلام شده بود . اما نقشه های فراتر از این نیز که کمتر کسی از آن خبر دارد ، در کار است . " نیویورک تایمز " مینویسد : " در مواقع ضروری می توان عملیات مشترک علیه گشتی های شوروی در مدیترانه ترتیب داد . " چه صراحتی ! بپنید ادغام شدن در استراتژی عمومی آمریکا چه عواقبی دارد !

آنگونه که همه می دانند ، دولت ریگان تدارک یک جنگ جهانی بطور همزمان در چندین " صحنه نبرد " را در سر لوحه کل سیاست خود قرار داده است . امروزه ، دولت ریگان در خاور نزدیک نیز ، اهدافی در این چارچوب ،

خاور میانه : دیپلماتها یا ...

بقیه از صفحه ۴
بخصوص از زمانی که افراد سرکش و غیر قابل کنترل نظیر آقایان بگین و شارون ، جای خود را به گروه بزرگ تر شامیر - آرنزداده اند . بیهوده نبود ، که دولت آمریکا با دولت شامیر قرارداد " اتحاد استراتژیک " امضا کرد . این امر که در چارچوب این قرارداد اندکی پیش از انتخابات ، در ماه ژوئن ، نخستین مانورهای اسرائیل - آمریکا انجام گرفت و درست قبل از رای گیری ، تمرین آماده باش افراد ذخیره اسرائیلی آغاز شد ، نمی تواند تصادف محض باشد . و بالاخره ، در همین روزها ، " نیویورک تایمز " مابقی قضیه را فاش ساخت . این روزنامه ، که اطلاعات آن معمولا موثق است ، در ۲۱ ژوئیه نوشت : " مقامات دولت آمریکا به لیکود توصیه کرده اند از همکاری آمریکا و اسرائیل نوعی اتحاد جنگی تصویر کنند ، تا در انتخابات کنسرت مواضع مناسبی به دست آورد " .

میتوان حدس زد ، که اهرمهای پنهانی دولت ریگان از شکست ظاهرا اجتناب ناپذیر لیکود جلوگیری نمود . اما " اتحاد جنگی با آمریکا " بر سر جای خود باقی ماند . علت اینکه چرا واشنگتن به دوستان خود در تل آویو توصیه می کند این اتحاد را استتار نمایند ، روشن است . خطراتی که این قرار داد در رطن خود دارد ، بسیار بزرگتر و تهدید آمیزتر از آنست که در نگاه اول می نماید . کافی است به نقشه خاور نزدیک نظری بیفکنیم .

موضع ناتو

از نظر طراحان استراتژی آمریکا ، بخش شرقی منطقه مدیترانه بمنزله چیست ؟ آنها در این منطقه ، نه گنجینه ذ قیمت آثار تاریخی و مهد تمدن ، بلکه " جناح جنوبی " ناتو را کسبه مستقیما با کشورهای سوسیالیستی و به ویژه ساحل دریای سیاه اتحاد شوروی همجوار است ، می بینند . در گذشته ، مهاجمین به کشور مسبارها این جهت را برای حمله خود برگزیدند : در جنگ کریمه و هنگام پیاده شدن فرانسوی ها در ادسا و انگلیسی ها در قفقاز در طی مداخله نظامی خارجی و جنگ داخلی (بلافاصله پس از انقلاب اکبر) ، " دروید لتون " مفسر نظامی آمریکایی می نویسد اکنون مواضع ناتو در بخش شرقی مدیترانه بسیار مهم تر از مواضع آن در سایر مناطق ، مثلا در شمال اروپاست . بیهوده نیست که ناوگان ششم آمریکا ، متعلق به جناح جنوبی ناتو ، از سایر ناوگانها در بکارگیری تجهیزات مدرن تر ، حدود ۵ سال پیش گرفته است .

با این همه ، میدلتون مدعی است که به وضع " جناح جنوبی " نگرانی طراحان استراتژی ناتو را برانگیخته است . این امر قابل درک است اما نه به این علت که " نیروهای مسلح پیمان ورشو " در آنجا بهر نحوی متشاء " خطر " ی شده باشند ، بلکه علل دیگری در کار است . لاقل مسا میتوانیم از سه علت نام ببریم : جنبش در حال

گزارشی از اوین

زیر هزار تیغه خنجر ۲

بند زندانیان "روی موضع"

زندانیان "اوین" دریافته اند که نمی توانند سدره حرکت زندانیان شوند. بخشی از تنبیهان خلق در "اوین" گرفتار گشته اند و لاجرم در این گورستان نیز بذرتان خواهند کاشت. آگاهی، تشکل و حرکت، طبیعتاً از سوی زندانیان مقاومت آغاز گشته و به وسیله آنان هدایت می شود. دژ خیمان اوین، با علم به این نکته، چندی است که بخشی از زندانیان مقاومت را، در اتاقهای ویژه ای جاداده اند. اینان کسانی هستند که از هر نظر محکم و استوار برجامانده اند، "فرایض" را انجام نمی دهند و روی مواضع ایدئولوژیک و سیاسی خود پافشاری می کنند. در ابتدا سالن شماره ۳ بهایین زندانیان اختصاص یافت ولی بنداین دلاوران، گسترش یافته است.

افراد مقاومت در فرهنگ رایج در میان زندانیان، افراد "روی موضع" نامیده می شوند. بندها آنان نیز دارای همین عنوان است. این بندرانگهبانان، بند "کفار" می نامند. البته در این بند نیز همه گونه زندانی یافت می شود. عده ای از توابعین را هم به آنجا فرستاده اند تا حرکت زندانیان مقاومت، از چشم مسئولین پنهان نماند. اما در مجموع می توان گفت که این بند، در برگیرنده مقاومت ترین و بارو حیه ترین زندانیان است. افراد "روی موضع" را کمتر به "حسینیه" می برند و در سخنرانی ها شرکت می دهند و بالطبع فشار شکنجه روی آنان، بیشتر از بقیه است.

زندگی در زندان

مهمترین قرازمبارزه در اسارت، مقاومت و در جریان شکنجه و بازجویی است. اما استقامت یک زندانی مبارز تنها با تعداد شلایه های که تحمل می کند، محک زده نمی شود. یک انقلابی اسیر باید روزهای طولانی و سخت اسارت را به سر آورد و همواره روحیه خود را بالا نگه داشته و سرزند و با نشاط باقی بماند. این امر، در زندانهای جمهوری اسلامی که یک لحظه

★ اخیراً ارتقای روحیه زندانیان تا به حدی است که از درگیری علنی با لاجوردی خون آشام نیز باکی ندارند.

نیز زندانی به حال خود در هانمی شود، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. یک زندانی مبارز علاوه بر حفظ روحیه و سرزندگی خود و وظیفه سنگین القای پایداری و نشاط در میان جمع رانیز برعهده دارد. او باید برای گذران وقت خود و دیگران به بهترین شکل ممکن برنامه ریزی کند، برای خنثی کردن سمومی که رژیم در زندانها می پراکند تلاش ورزد، جلوی شایعات دشمن را بیاورد و آن را بگیرد، ذهن زندانیان را متوجه مبارزات توده ها و ضعف و زبونی رژیم سازد،

آغاز به کار "رادیو صدای زحمتکشان" به گوش رفقای ما و حزب، و مبارزین دیگر رسید، آنان را غرق شادمانی ساخت. پیش از اخبار مربوط به انتخابات که در جریان آن مردم هشت محکمی به دهان رژیم زدند نیز در ارتقای روحیه زندانیان بسیار موثر بود.

★ لاجوردی خون آشام

"کی گفته است که در ایران، آزادی عقیده وجود ندارد؟ شما که نیستید، خوب باشید! ما هم معتقد به سرکوب که نیستیم هستیم. و چون آزادی عقیده وجود دارد ما بر مبنای عقیده خودمان شمارا سرکوب می کنیم!"

در زندان اوین، شرایطی پدید آمده است که یک دقیقه از وقت زندانی نیز بدون تحمل فشارهای جسمی و روانی، سپری نشود. تاسایی که شکنجه جسمانی را لازم ببینند، با و حشانه ترین شیوه ها زندانی را به زیر ضرب و شتم می گیرند. به دنبال آن شکنجه های روانی آغاز می شود: "حسینیه"، سخنرانیهای لاجوردی سران رژیم و توابعین، تلویزیون مدار بسته، کتابهای مطهری و ...

در زیر این همه فشار تلاشی می کنند زندانی خود را تنها حس کنند. تماس زندانیان را به حداقل رسانده اند، حتی در داخل یک اتاق نیز بیش از ۳ نفر مجاز نیستند برای خودشان کلاس بگذارند و به آموزش موضوعاتی همچون زبانهای خارجی بپردازند.

علیرغم همه این فشارها، زندانیان آموخته اند که چگونه گرد هم جمع شوند، تماس خود را با یکدیگر گسترش بخشند، تجربیات و اخبار لازم را به هم انتقال دهند و به حرکت های صنفی دامن زنند.

اکنون هر اتاق دارای یک نماینده است که از میان کاندیداهای این مسئولیت، برای مدت معینی از سوی زندانیان انتخاب می شود. وظیفه نماینده انتقال اعتراضات و خواسته های زندانیان حول مسایلی همچون کم بودن جیره غذایی، کم بودن زمان هواخوری، تراکم جمعیت اتاق و ... به زندانیان است. اکثر زندانیان مبارز برای عهده دار شدن این سمت پیشقدم می شوند و تمام مشکلات این مسئولیت را می پذیرند. زندانیان با کوچکترین بهانه ای نماینده اتاق را کتک می زنند. یک کارگر پیشرو و سازمان، اخیراً به خاطر عهده دار شدن این مسئولیت و تلاشی که به خاطر گرفتن خواسته های زندانیان، میز و ول داشته، به شدت زیر ضرب و شتم قرار گرفته است.

برخورد با زندانیان "خاطی"

همچنان که گفتیم گذاشتن کلاس برای بیش از ۳ نفر ممنوع اعلام شده است. خواندن شعر و سرود، داشتن قلم و کاغذ، مبادرت به ورزشهای جمعی و درگوشی حرف زدن نیز اکیداً ممنوع است. در برخی از زندانهای جمهوری

به هر شکل ممکن تجربیات و اخبار زندان را به بیرون انتقال دهد، در پیش از اخباری که از خارج از زندان می رسد بکوشد، جلوی تفرقه ها را بگیرد و بگذارد رژیم از اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک موجود در میان گروه های سیاسی مبارزه نفع خود بهره برداری کند و ... بالاخره در برخورد با مشکلات پیش قدم شود و با شور، استقامت و فداکاری خود الگوی دیگران گردد.

پیش از اخباری که از خارج از زندان می رسد از اهمیت ویژه ای برخوردار است. اخبار مبارزات مردم و حرکات و پیشرفت های نیروهای انقلابی نور امید را در دل های زندانیان می تاباند، بعنوان نمونه در اوایل امسال، وقتی کمخبر

وقاحت و دروغبافی یک آدمخوار

توصیف لاجوردی دژخیم از کشتارگاه "اوین" در سخنرانی پیش از خطبه های نماز جمعه ۲۶ مرداد تهران:

"... همان جنایتکارانی که شهادت تلویزیونی دیده آید، هم اکنون در زندان مشغول شنا، فوتیال، والیبال، پینگ پنگ و ورزش و تفریح هستند و شاید امکانات رفاهی که در اختیار زندانیان است در اختیار بسیاری از اقشار مرفه هم نباشد. در زندان اوین جمعاً ۶ استخر وجود دارد که در اختیار زندانیان است، روزهای جمعه زندانیان به صورت پیک نیک به باغهای مصفا زندان، استادیم آزادی، مراکز ورزشی و تفریحی و اماکن مشابه آن برده می شوند و در آنجا استراحت می کنند. در هر اتاق آنان که حدود ۲۰ نفر زندگی می کنند، یک تلویزیون، ضبط صوت و رادیو وجود دارد که علاوه بر برنامه های ویدئویی شبکه آموزشی مخصوص زندان اوین نیز وجود دارد. مسئولین مملکتی در مواقع مختلف به زندان می آیند و برای زندانیان سخنرانی می کنند. هر شب جمعه دعای کمیل و دراعیاد مختلف مراسم سرودخوانی اجرامی کنند. روز عید قربان و عید فطر الزاماً به نماز عید می روند. تاکنون چندین مرتبه به حرم حضرت عبدالعظیم و حرم حضرت معصومه رفته اند، در صورتی که اقوامشان فوت کند، به بهشت زهرا و در صورتی که یکی از اعضای خانواده آنها بیمار باشد، برای عیادت به خانه شان برده می شوند ...

یک گروه از این افراد که مصاحبه تلویزیونی داشتند، بلافاصله بعد از مصاحبه برای شنا به استخر رفتند. دستگای نو و درن برای آموزش حرفه های فنی در اختیار آنان قرار می گیرد که پس از شش ماه تا یک سال، به یک فرد کاملاً فنی تبدیل شده اند ..."

(کیهان - ۲۷ مرداد)

☆ زندانی سیاسی، آزاد باید گردد! ☆

برنامه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

☆☆☆ در دفاع از زندانیان سیاسی ☆☆☆

● سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)، برنامه خود را برای دفاع از زندانیان سیاسی ایران اعلام کرده و در عین حال از هر پیشنهاد و فراخوان موثر دیگری هم صمیمانه پشتیبانی میکند. در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی تمام حقوق سیاسی، حقوق قضایی و حقوق زیستی زندانیان سیاسی را گستاخانه پایمال کرده و به فجیعترین جنایات علیه زندانیان دست میزند، مبارزه در راه تامین حقوق و مطالبات زندانیان سیاسی ایران اهمیت ویژه‌ای کسب میکند. ما همه نیروهای آگاه و مبارز را فرا میخوانیم که دست در دست یکدیگر برای تحقق اهداف شریف و انقلابی زیر، که اهداف مشترک همه ما هستند، مبارزه متحد خود را علیه ارتجاع حاکم باز هم بیشتر گسترش دهیم:

حقوق و خواستهای سیاسی و قضایی:

- ☆ اعدام زندانیان سیاسی باید ملغی گردد
- ☆ هرگونه شکنجه و آزار جسمی و روانی زندانیان باید قطع گردد
- ☆ بیکرد و دستگیری مبارزین باید قطع شود
- ☆ از کانهای تجسس و سرکوب میهن پرستان باید منحل گردد
- ☆ هرگونه اخبار زندانیان به درد عقاید خود باید فوراً قطع شود
- ☆ عنوان "زندانی سیاسی" برای میهن پرستان اسیر باید به رسمیت شناخته شود
- ☆ مشخصات و اتهام و محل بازداشت هر زندانی باید اعلام گردد
- ☆ از زندانیانی که محکومیتشان تمام شده باید آزاد گردند
- ☆ محاکمات باید علنی و قانونی باشد
- ☆ حق زندانیان برای شکایت به مراجع قضایی و سازمانهای مدافع حقوق بشر باید تامین شود
- ☆ هیاتهای ملی و بین المللی مسئول باید مجاز باشند از زندانها دیدن کنند

حقوق زیستی:

برای زندانیان سیاسی باید:

- ☆ غذای کافی و بهداشت و درمان
- ☆ جای کافی و حق هواخوری
- ☆ ملاقات حضوری و هفتگی
- ☆ نشریات و کتابهای مورد درخواست
- ☆ حق ادامه تحصیل و مکاتبه

تأمین گردد

دروود بر زندانیان سیاسی که قهرمانانه

در برابر دژخیمان ایستاده‌اند!

پیروز باد مبارزه حق طلبانه

خلق ستم دیده ایران!

اسلامی، همچون زندان کرب از اوین نیـــز وضـــح بد تراست. در زندان کرب یک زندانی حق ندارد در هنگام مراجعه به فروشگاه زندان برای یک نفر دیگر نیز چیزی بخرد، و نفر حق ندارند جدا از دیگران با هم حرف بزنند، غذا بخورند و یاد رهنگام هواخوری با هم قدم بزنند. این اعمال "مصادیق داشتن عقاید اشتراکی" محسوب می شوند!

آنانی که دستورات زندانیان را اجرا نکنند به شکلهای مختلف مورد آزار و اذیت قرار می گیرند. کمترین مجازات برای یک فرد "خاطی" (اصطلاح دژخیمان اوین) آن است که در هوای سرد چند ساعت با چشمهای بسته روی یک پای خود بایستد و یا حق هواخوری نداشته باشد. گاه یک اتاق به تمامی "خاطی" تشخیص داده شده و حق هواخوری از همه "ساکنین" آن، سلب شده و یا از جیره غذایی آنان کاسته می شود. زندانیان مقاومتی که میسر است ممنوعیتهای بی شماری را که در اوین برقرار ساخته اند، زیر پای می نهند. اخیراً ارتقای روحیه زندانیان تا به حدی است که از زدن و زخمی کردن با لاجوردی خون آشام نیز باکی ندارند. بعنوان نمونه یک بار لاجوردی در "حسینیه" شروع به فحاشی نسبت به کمونیستها نمود و اعتقاد به مارکسیسم لنینیسم را در جمهوری اسلامی بالاترین جرم ادا دانست. یکی از رفقا با شهامت بی نظیری از جا برخاست و گفت: "شما ها که قبل از به حکومت رسیدن از این حرفها نمی زدید. بعنوان نمونه نایب الله خیمینی وقتی که در ریاس بود، می گفت در ایران همه عقاید و همه احزاب آزاد خواهند بود." لاجوردی در پاسخ مثل یک خرس تیر خورد.

☆ مدتی است که برخی از اعضای دلیر و مقاوم سازمان ما که سبب استقامت در اوین و شاخص افراد "روی موضع" محسوب می شوند - در دیدهای عمومی و بیاد "حسینیه" به چشمی خورند. دژخیمان یا آنان را به جوخه اعدام سپرده اند و یا این که در سلولهای انفرادی، به بند کشیده اند.

فریاد کشید و گفت: "اولا امام در ریاس تبلیغ می کردند. ثانيا کی گفته است که در ایـــران آزادی عقیده وجود ندارد؟ شما کمونیستید، خوب باشید! ما هم معتقد به سرکوب کمونیستها هستیم. و چون آزادی عقیده وجود دارد ما بر مبنای عقیده خودمان شما را سرکوب می کنیم!" رفیقی که با این شهامت در برابر لاجوردی دژخیم ایستاد، قبل از سال ۶۰ دستگیر شده است و مطابق با حکم "دادگساره" می بایست چندین ماه پیش آزادی می شد. اما به خاطر سرزندگی و شجاعتی که از خود بروز می دهد همچنان در بند بگه داشته شده است، هر از گاهی به سلول انفرادی می افتد و زیر شکنجه قرار می گیرد. این قبیل زندانیان را که محکومیتشان پایان پذیرفته ولی آزاد نمی شوند، بقیه در صفحه ۹

در حاشیه



ادامه جنگ با موافقت امیر یالیسته

سرهنگ سلیمی وزیر سابق دفاع :
" در جهان امروز، به استثنای چند کشور معدود هیچ کشوری حاضر نیست با ما وارد معاملات تسلیحاتی شود و ما هر معامله‌ای که داریم با واسطه‌ها و با شرکت هاست و آن هم مشروط بر اینکه آن کشور سازنده و مطبوع آن شرکت اجازه خروج بدهد."
(اطلاعات - ۲۴ مرداد)

اعتراف به خرید سلاح از اسرائیل

نادی نماینده مجلس :
" به جای اینکه صنایع نظامی را گسترش دهیم و تکنولوژی راقوی کنیم و نیروها را به کار گیریم و از ابتکارات آنها استفاده کنیم، (برای خرید سلاح) جذب بازارهای خارجی شده‌ایم و باعث ثروت تعدد شدن دلالها و سرمایه‌داران وابسته به صهیونیست شده‌ایم."
(کیهان - ۲۳ مرداد)

"ابواب الجنه" یا "ابواب الجنون"

بادامچیان نماینده مجلس و یکی از بازاریان "محترم" :
" نظام اسلامی، نظام جهادی است و همیشه در پیکار با دشمنان خداست و اساس اقتصاد اسلامی بر اقتصاد جنگی است و جهاد که بای از ابواب الجنه است، نمی تواند موجب معیشت تنگنایی (؟) و رنج برای جامعه اسلامی بشود"
(کیهان - ۲۴ مرداد)

خودکفایی

یک نماینده مجلس :
" آخر چطور می شود با ایستادن سیاست دنبال خودکفایی دویید؟ این اصلا وابستگی کامل است ماشین سازی اراک، من کتاب نوشته دارم که نوشته اند ما حاضریم قسمی از زیره و اگن پارس را برایشان بسازیم . دقیقا به آنها پر خاش شده که از این "گنده گوییها" نکنید . اگر کسی از این شعارها بدهد ، با او مبارزه می کنیم ."
(اطلاعات - اول شهریور)

فرزندان من هم چقدر نکارند!

احمد و ند نماینده مجلس :
" کشاورزی را بدیم که می گفت من تا عمر دارم دیگر چقدر رنجو اهم کاشت و درو صیتنامه خودم هم نوشته ام که فرزندان من هم چقدر رنجو نکارند . بخاطر ذات و آزاری که از طرف مسئولین کارخانه چقدر رنج دیده ایم."
(اطلاعات - ۲۹ مرداد)

از ادعا تا واقعیت

جمهوری اسلامی و قیحانه مدعی است که در زمینه کشاورزی، قریباً به خودکفایی می رسد اما سخنگویان رژیم در مواجبه با بحرانی گاه ناچار می شوند گوشه هایی از واقعیت را آشکار سازند . یکی از نمایندگان ایجاد فاجعه ای را که گریبانگیر روستاهای ایران است ، با کمک آمار و ارقام چنین توصیف می کند :

" در سال ۶۲ کشاورزی ما وضع اسفناکی داشت . ۱۱۱۰ هزار هکتار سطح کشت نسبت به سال قبل در مورد تولید گندم ۱۳ درصد، جو ۵/۵ درصد، توتون ۱۶ درصد و پیاز ۲۳ درصد کاهش تولید داشتیم و از نظر عملکرد و برداشت در هکتار محصولات عمده زراعی از ۳/۵ درصد تا ۱۷/۸ درصد کاهش داشته و اساساً تاکنون هیچ گونه برنامه ریزی برای افزایش سطح کشت و برداشت در هکتار نشده است."
(اطلاعات - اول شهریور ماه)

نرخ تورم، باد و روایت

نادی نماینده نجف آباد در مجلس :
" آقایان می فرمایند تورم از ۲۲ درصد سال ۶۰، به ۱۷/۵ درصد سال ۶۲ کاهش یافته و لیکن باید بدانیم آنچه سالهای گذشته افزایش قیمت داشتیم، حفظ شده به اضافه سال بعد . یعنی از سال ۵۹ تا ۶۲ حدود ۸۳ درصد تورم یا افزایش قیمت داشته ایم و عامل آن چیزی نبوده جز تزریق پول در جامعه و میلیو ترو میلیاردر کردن افراد بخصوصی."
(اطلاعات - اول شهریور)

بلا هت نمونه وار

گوشه هایی از سخنان طاهری خرم آبادی یکی از نمایندگان "شاعر مسلک" مجلس در تائید دولت :

" من اینقدر فکر کوتاه است که دلم می خواست این رای اعتماد هیات دولت ، یک سالی طول می کشید

بست بازاید از آن در که یکی چون تود را بد روی میمون تود بدند ، درد ولت بگشاید (؟) تاریخ اسلام به جان امام ، مجلس به این وحدت و به این شکل و به این داسوزی به یاد ندارد . اینجو رد حالت جنگ پنج استان ما زیر بارها و آتش های دشمن راجع به کابینه از تریبون آزاد ، آزاد ، آزاد صحبت نمایند (؟) بنا بر این نشاندن و روضه و صهیونیسم عو عو کند هر کسی بر طینت خود می کند (؟)

اگر مجلس بد و ن مخالف و موافق رای بدهد همین بیگانگان بی بی سی و فرستنده هـ می گویند . در ایران اختناق است ما به ساز بیگانگان که نمی رقصیم! اصلاح را برقصیم که به ساز برقصیم! (!!) علت اصلی موافقت حقیر بنده و علت بود : یک بعد سیاسی دارد برای خودم و عقل (!) خودم ، کسی دیکته نکردم یک بعد روانی دارد . برای خودم . بعد سیاسی آن ، خودم را از وقتی

شناختم رنج می بردم از شاه اینها جزو یزگی و ذات من شده ، حالا اشتباه است ، درست می شود اما بینش روانی من این است معتقدم عملکرد آقایان (وزرا) صد درصد به روش سابق باشد خودشان هم احساس خستگی خواهند نمود اگر دولت تنگ اسب را محکم نبندد و مجلس دنبالش نباشد تغذیه کامل هم او را نکند، مسایل راحل نکند، دیری نمی گذرد که مجلس و دولت برای ملت می آید زیر سؤال و آن وقت بادم شیر بازی کردن بسیار کارمشکلی است"
(کیهان - ۲۴ مرداد)

حقوق و مزایای سفیران

رضوی نماینده مجلس :
" سه هزار دلار حقوق سفرای مادر خراج است . چرا دلار ؟ البته تنگ نظری نمی کنم . سفیر می تواند در هر ۴ سال یک بنزارد کشور کنند و در هر ماه و ریتی که می خواهد بپاید ، و سایل تمام یک منزل را بپاورد "
(کیهان - ۲۴ مرداد)

"جهل الرجال"

عزیز حجتی نماینده مجلس :
" ما الحمد لله با قحط الرجال مواجه نیستیم ، ممکن است جهل الرجال داشته باشیم "
(کیهان - ۲۳ مرداد)

ارقام گویا

آمار زیر که از جانب یکی از نمایندگان مجلس در جلسات رای اعتماد ارایه شده ، به روشنی منعکس کننده وضع آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی است :

دانش آموزان دوره متوسطه در سال تحصیلی ۵۸ - ۵۷ ، ۸۹۶ هزار نفر بوده اند و در سال ۶۲ - ۶۱ ، ۸۵۰ هزار نفر !

تعداد دانش آموزان فنی و حرفه ای در سال ۵۸ - ۵۷ ، ۲۵۶ هزار نفر بوده اند و در سال ۶۲ - ۶۱ ، ۱۲۷ هزار نفر !

تعداد دانش آموزان در رشته ریاضی - فیزیک در سال ۵۶ ، ۱۷ درصد کل دانش آموزان را تشکیل می داده اند و در سال ۶۲ - ۶۱ ، فقط ۵ درصد !
(کیهان - ۲۶ مرداد)

اعتراف

حجت الاسلام برهانی :
" کم کم احتمال آن می رود که معدومین رژیم طاغوتی از آستین و ارثان باقی مانده شان زنده شوند و مابقی اموال بجا مانده را طلب کنند و حتی پول خون هم مطالبه کنند حتی وارثان بجا مانده از طواغیت تا سرف خورند و انگشت بر دهان گیرند که اگر معدومین مادر همان او ایسل انقلاب به پرونده شان رسیدگی نمی شد و یا اگر می توانستند از مرز بازگان و یا از مرزهای دیگر خارج شوند ، امروز به خوبی می توانستند برگردند و چه برگشتی ، که دعوت نامه عمو می از رسانه های گروهی و یانامه فدایت شوم برایشان فرستاده می شد ."
(آزادگان - ۲۹ مرداد)

زیر هزار قیفه خنجر

بقیه از صفحه ۷

در قاموس اوین " تا اطلاع ثانوی " می گویند. این عنوان طنزآمیز را از آن روز زندانیان به هم رنجبران مقام خود اطلاق می کنند که بنا بر حکم دادستانی " زندانیانی که دوره محکومیتشان تمام شده ولی توبیخ نشده اند و مسلم است که بعد از آزادی فعالیتشان را از سر خواهند گرفت ، باید تا " اطلاع ثانوی " در زندان باقی بمانند . " تا " اطلاع ثانوی " بودن اقتضای زندانیان " روی موضوع " است .

مدتی است که برخی از اعضای دبیر و مقام سازمان ماسه سبیل استقامت در اوین و شاخص افراد " روی موضوع " محسوب می شوند - در بند های عمومی و یا در " حسینیه " به چشم نمی خورند . دژخیمان یا آنان را به جوخه اعدام سپرده اند و یا این که در سلولهای انفرادی ، به بند کشیده اند .

شهامت، شهامت می آورد

مقامات يك انقلابی در برابر دژخیمان و آوازه این پایداری در زندان ، به مثابه مشعلی است که به زوایای تاریک سلولهای اسارتگاه نیز نور گرمی می بخشد . شهامت و مقام ، نیرویی است که سریعاً در میان جمع القا شده و شهامتها و مقامهای دیگری را به دنبال می آورد . حماسه های پایداری يك انقلابی ، دهان به دهان می گردد و خط سرخی را که در میان خلق و ضد خلق و انقلاب و ضد انقلاب کشیده شده ، پرنگتر و قاطع تر ترسیم می کند . حول این حماسه هاست که در مخوفترین زندانها نیز حرکت پدید می آید و پرچم رزم در همانجایی که جلادان خود درایک تاز میدان می بینند برافراشته می گردد .

اسطوره های مقام و در اوین بی شمارند جلادان بسیاری از آنان را به خاک افکنده اند ، اما صدای رگبار جوخه های اعدام که بر زمزم آذمخواران اوین منادی نابودی آنان است در گوش زندانیان و همه خلق ، اعلام جادوانگی نام و یاد آنهاست . بسیاری دیگر از این دوران اکنون در اوین و دیگر کشتارگاههای رژیم چون کوه ایستاده اند و جلادان مذبح خانه تلاش می کنند تا آنان را بشکنند .

اعدام . انفرانظامیان تودهای در ۶ اسفند سال گذشته ، اوین را تکان داد . سه ساعت قبل از اعدام ، آنان را به " حسینیه " آوردند . ۳۰۰ نفر از زندانیان " روی موضوع " توده ای ، فدایی ، و گروههای مبارز دیگر و نیز ۷۰ نفر از توابعین و نگهبانان زندان را نیز در سالن جمع کردند . نظامیان حزبی بار دیگر دلاورانه بر این نکته که در راه خلق گام برمی داشته اند و تنها برای بهرورزی ملت و اعتلای انقلاب فعالیت می کرده اند ، تاکید کردند . در میان آنانسان انگشتهایشان را به علامت پیروزی بلند کردند و زندانیان " روی موضوع " نیز با همین علامت بدانا پاسخ گفتند .

★ حول حماسه های مقام و مقام است که

در مخوفترین زندانها نیز حرکت پدید می آید و پرچم رزم ، در همانجایی که جلادان خود درایک تاز میدان می بینند ، برافراشته می گردد .

بعد از این که آنان را بر دژ خیانتگاه لاجوردی ، عده ای از توابعین به سوی زندانیان " روی موضوع " حمله و رشده و از آنان خواستند که پشت تریبون بروند و ابرازندامت کنند . هیچ کس به این کار تن نداد . خوشنودت بالا گرفت . رفقا به سختی کتک خوردند . لاجوردی جلاد بادست افراد خاصی را نشان می داد و توابعین و نگهبانان ، آنها را با شدت بیشتری

می زدند . زندانیان " روی موضوع " خونسردی خود را حفظ کردند ، در غیر این صورت احتمال کشته شدن عده ای می رفت . لاجوردی می خواست زندانیان " روی موضوع " دست به مقاومت فیزیکی بزنند تا هم آنجا برخی از آنها به قتل برسند و یا بعداً به اتهام شورش در زندان ، به جوخه اعدام سپرده شوند .

داستان مقام و مقام رفقا در سراسر اوین پخش شد و شور و شغف بی مانند ای ایجاد کرد . لاجوردی به دنبال شکست این نقشه تئوفی که خود او طراحی کرده بود ، از این جریان اظهار تاسف نمود و وانمود کرد که در آن ، دخالتی نداشته است !

در جلسه بعدی " حسینیه " وقتی که خبر اعدام نظامیان دلاور توده ای ، اعلام شد زنان زندانی آشکارا به شیون و زاری پرداختند ، مردان از خشم دندان بهم فشردند ، اشک در چشم همه زندانیان مبارز حلقه زد و کینه نسبت به این رژیم خون آشام مثبت همه آنان را گرم ساخت . چنان جوی بر سالن حاکم شده که لاجوردی نیز مات و مبهوت گشت . حتی توابعین نیز بسا سردی به شعارهای ضد توده ای پاسخ گفتند . زندانیان گروههایی که اساس وجودیشان را مبارزه با حزب توده ایران تشکیل می دهد نیز از همراهی با این شعارهای ارتجاعی مطلقاً خودداری کردند . بعد از این جریان روابط آنان با زندانیان توده ای و فدایی بهبود پیدا کرد .

★★★

همپای گسترش حرکات اعتراضی خلق ، مقام و مت در زندانها و ج می گیرد و هر روز خصلت جمعیتری می یابد ، بر ماست که حماسه های یاران در بندمان را با تمام توان به گوش توده های خلق برسانیم و صدای اعتراضمان را در ابعاد ملی و جهانی ، در پشتیبانی از آنها و علی - ددمنشی های ارتجاع حاکم ، رساتر سازیم .

ارگانهای مختلف جاسوسی و سرپرستی وزارت اطلاعات در شرایطی که پایه های رژیم بر روی آب قرار دارند ، کار آخوندی نیست که به قول رفسنجانی " ۲۰ سال درس خوانده و کتاب جواهر را خوب می فهمد " (همانجا) دانستن آداب طهارت انواع و اقسام صیغه و جزئیات سهیبات و شکیات حتی تا حد اجتهاد ، به درد سرپرستی ییک دستگاه خبرچینی نمی خورد . برای سازمان دادن به این چنین ارگانی دوره دیدهای سیال لازم است و انگشت تدبیر کارهای اسلام آورده ساواک .

در این وزارتخانه کاری شهری آن خواهد بود که اعمال پلیس عوامل سیا و مشتی جیره خواه جتایتکار را تطهیر شهری کند و آندم که باند ها خونخوار این وزارتخانه را برای سرکوب انقلابیون گسیل می دارد ، آنان را از زیر قرآن بگذراند . ساواک جمهوری اسلامی عاقبتی به مراتب سیاهتر از ساواک شاهنشاهی خواهد داشت . مردم این بار در رابطه با خبرچینان و سرکوبگران کاری خواهند کرد کارستان ! به امید آن روز .

ساواک جمهوری اسلامی ، عاقبتی به مراتب سیاهتر از ساواک شاهنشاهی خواهد داشت

بقیه از صفحه اول

او سپرده شد و حال با رای مجلس به لحاظ تشریفات قانونی ، رسمیت پیدا کرد .

تنها تذکری که در مجلس در رابطه با ری شهری داده شد و در جراید انعکاس پیدا کرد تذکر نماینده ای بود که خواست منتظری نیز همچون مشکینی حکم اجتهاد او را تأیید کند [بقیه نمایندگان فقط از ری شهری تحریف و تمجید کردند و در مورد خیرگی او در کارهای اطلاعاتی داد سخن دادند] انتقاد از ری شهری در مجلس از یک نظر طبیعی می نماید : ری شهری ثابت کرده است که به همه اهداف پلیس کلیت رژیم جمهوری اسلامی جامه عمل خواهد پوشاند اما علت اصلی آن که بر سر تصاحب مقام سرپرستی ارگان حساسی همچون وزارت اطلاعات بین جناحهای مختلف درگیری علنی پیش نیامد ، آن است که ری شهری از مدت ها پیش به این مقام گمارده شده و به نمایندگان تذکر داده شده که :

صحبت در باره وزارت اطلاعات موقوف [در غیر این صورت پرونده اطلاعاتیتان خراب خواهد شد] جمهوری اسلامی تا کنون دارای چندین ارگان جاسوسی و اطلاعاتی بوده است که هم اکنون نیز به قول رفسنجانی بعضاً " همگی دنبال یک مساله اطلاعاتی می روند و گاهی با هم برخورد می کنند و ... حتی بروی هم تیر اندازی هم می نمایند " (جمهوری اسلامی - ۲۵ مرداد) مهمترین و کارگشته ترین کادرهای این ارگانها عوامل ساواک می باشند . بخشی از ساواک زیر نظر ارتشید فردوست با سازی شد و در خدمت جمهوری اسلامی قرار گرفت . رژیم از مدت ها پیش در صدد برآمد که ارگانهای مختلف اطلاعاتی را در هم ادغام کند و یک نهاد جاسوسی یکپارچه و منضبط به وجود آورد . به همین منظور بود که طرح وزارت اطلاعات تهیه شد و بلافاصله ارکسان تشکیلاتی آن مهیا گردید . ایجاد هماهنگی بین

راهپیمائی و جشن نیروهای صلح دوست در لس آنجلس



در خیابانهای شلوغ و مراکز خرید، در نزدیکی محل فروش بلیط بازیها و غیره... همیشه عده‌ای با پوستر و اعلامیه برنامه ۵ اوت حاضر بودند و شرکت کنندگان در المپیک را از این برنامه با خبر می‌ساختند. از طرف دیگر، بازیهای المپیک با سالگرد بهاراران اتی هیروشیما (۱۹۴۵) و به همین دلیل یکی

این مراسم باشکوه و تاریخی در روز یکشنبه ۵ اوت و بعد از ۶ ماه تدارک و برنامه ریزی تحت عنوان "روزقا"، با شرکت بیش از ۵۰۰ نفر از مردم لس آنجلس، تو رستها، سازمانهای مترقی سیاسی، مذهبی و مردمی، به همراه عده بسیاری از شخصیتهای مترقی آمریکایی و نمایندگان سازمانهای صلح بعضی دیگر از کشورهای جهان برگزار شد.

موضوع اصلی برنامه راصح، جلوگیری از جنگ هسته ای، مخالفت با هرنوع جنگ و بیاد داشتن فاجعه در دناک هیروشیما و ناگازاکی مخالفت با سیاستهای جنگ افروزان دولست آمریکای لاتین و خاور میانه و شرق دور، و خواست اختصاص دادن بودجه های نظامی به مصارف انسانی تشکیل می داد. این خواستها به زبانهای مختلف روی اعلامیه ها و پیراهنهای تهیه شده از طرف کمیته برگزاری، از جمله به زبان فارسی ("بودجه برای مصارف انسانی، نه برای جنگ") چاپ شده بود. در طول برنامه نیز به زبانهای مختلف گفته می شد که مردم این یا آن کشور در راه صلح مبارزه می کنند.

نکته بارز در مورد این برنامه همزمانی آن با بازیهای المپیک لس آنجلس بود. کمیته برگزار کننده دست به اجرای برنامه های متنوع تبلیغی با خاطراین همزمانی زد. در محل، برگزاری بازیها،

در راه پیمایی و اجرای این برنامه شرکت کرد. در طول برنامه با برگزاری نمایشگاه عکس در مورد جنگ ایران و عراق، میز کتاب به همراه آثار و لباسهای محلی ایرانی و کارهای دستی توزیع عده بسیاری یادی ربه خود جلب نمود. تعداد زیادی اعلامیه بر علیه دخالتهای آمریکادرنبردر خلیج فارس و مطالبه پایان جنگ و شروع بدون قید و شرط مذاکرات پخش شد. تعداد زیادی امضایز برای پایان دادن به جنگ و مذاکلات آمریکا و سایر کشورهای ناتو درامور کشورهای منطقه و همچنین خواست تبدیل اقیانوس هند و خلیج فارس به منطقه صلح جمع آوری شد. مجموعه برنامه و شرکت رفقای مادر طول آن نظر تبلیغی - سیاسی بسیار موافقت آمیز بود.

از زمانندگان این فاجعه، مشعلی راه شهردار هیروشیما روشن کرده بود از آن شهره لس آنجلس آورده و در طول برنامه ۵ اوت در جلوی صف شرکت کنندگان حمل می کرد و سپس به کمک آن، مشعل بزرگتری را در محل اجرای برنامه فستیوال روشن کرد. مشعلی که برخلاف مشعل المپیک لس آنجلس - که مفهومی تجارتي ربه جای مفهوم واقعی مشعل المپیک عرضه کرد - نمایانگر خواستهای میلیونها انسان صلح طلب و آزادیخواه در جهان بود. این مراسم - بویژه استفاده از مشعل - خوشبختانه مورد استقبال مطبوعات و رادیو و تلویزیون قرار گرفت. سازمان مابه همراه کمیته همبستگی با خلقهای ایران (در جنوب کالیفرنیا) بطور وسیعی

دارند، تا آنها از مبارزه مشترک باز داشته شوند. در اجرای این روش رزیلانه و به دنبال اخاذی از عده ای از روستاییان، مرز چراگاههای د و روستای هم جو ار لاله دان و گون لو را جابجا کردند. تشنجاتی که در پی این اقدام در روستا بوجود آمد با سکوت رضامندان مامورین دولتی و انتظامی روبرو گردید.

● دولت با ایجاد تفا و تنیان سهمیه کوپن روستایی و شهری، روستاییان را ناچار کرد که برای تامین مایحتاج اولیه بیش از دیگران به بازار سیاه متکی شوند. برای روستاییان پرداخت بهای سرسام آور اجناس، ربا زاری، کمرشکن است. گروهی از دهقانان و رامین در اعتراض به این وضعیت به شهر آمده و به دنبال بی توجهی مسئولین مدتی در یکی از مساجد و رامین متحصن گردیدند.

کارگران جنگ شیمیایی را محکوم می کنند

سخنان اخیر فسنجانی در نماز جمعه مبنی بر اینکه در اجرای "اصل اسلامی قصاص" حکومت ایران آماده است در اقدام مقابل بمبهای شیمیایی بر سر مردم عراق فرو ریزد، یکی دیگر از طرحهای جنایتکارانه حاکمیت جمهوری اسلامی را بر ملا کرده است. اعلام آمادگی حکومت برای کاربرد سلاحهای شیمیایی با نفرت مردم مهین ما ریزش شده

اخباری از میهنمان

بقیه از صفحه ۱۲

اخباری از روستا

رژیم جمهوری اسلامی به جای اجرای وعده هایی که به روستاییان می داد، همه چیز را در اختیار زمینداران و تجار بزرگ قرار داده است. برای روستایی شاه گزیده و خان گزیده، ارتجاع حاکم آفت دیگری شده است. اخبار زیر در ایسن زمینه گویاست:

● در روستاهای سمنان، دولت نه فقط برای تامین آب مزارع تشنه دهقانان کاری نمی کند، حفرچاه رانیز برای دهقانان فقیر ممنوع کرده است. در حالیکه بزرگ مالکان به آسانی می توانند دریند و پست با مقامات حکومتی، تا هراندازه که می خواهند از منابع آب زیرزمینی استفاده کنند، دهقانان فقیر از آبیاری کشتزارهای خود باز داشته می شوند. در اعتراض به این تصمیم گروهی از دهقانان به شهر آمده و در دسترابر اداره آبیاری سمنان متحصن شدند.

● در رزن همدان کمبود علوفه و محدودیت مراتع، نگهداری احشام را برای روستاییان مشکل کرده است. مامورین دولتی به جای کوشش در حل مشکل سعی در تفرقه افکنی میان روستاییان

است. ولی حتی پیش از آنکه فسنجانی آشکارا پرده در کند، کارگران صنایع پترو شیمی ایران از احتمال انجام آن مطلع شده بودند. در کارخانه پترو شیمی شیراز کارگران با خبر می شوند که مقامات حکومتی در صددند در این کارخانه مواد مورد نیاز سلاحهای شیمیایی را تولید نمایند. حتی گفته شده بود که این کار در حال اجراست. کارگران از احتما اینکه تولیداتشان اینگونه در خدمت اهداف ضد انسانی رژیم قرار گیرد، نگران و خشمگین بوده و بلاقت ساله راتعقیب کرده اند.

در همین کارخانه چندی قبل غرضی وزیر نفت به سخنرانی می پردازد. او که برای کارگران حرفی برای گفتن نداشت، تنها بر نیاز حکومت به افزایش تولید تاکید می کرد. آقای وزیر حتی یک کلمه هم در پاسخ مشکلات کارگران سخنی نگفت. اما کارگران یک به یک برخاسته و مطالبات خود را طرح نمودند. آنها از جمله خواستار حقوق بهره وری بودند. مهندس غرضی که هیچ پاسخی در برابر خواسته های برحق کارگران نداشت، به بهانه اینکه هو اپیاماد رفرو دگاه منتظر بازگرداند او به تهران است، خود را از جمع کارگران و از کارخانه بیرون کشیده و می رود.

غرضی در سخنان خود خطاب به کارگران اعلام داشت که دولت به استخدام کارشناسان غربی مشغول است. برخی از این کارشناسان که هم اکنون در ایران به کار مشغول شده اند، ماهانه دو میلیون ریال حقوق می گیرند.

رویدادهای
جهان

آزمایش موفقیت آمیز

موشکهای بالدار در اتحاد شوروی

وزارت دفاع شوروی اعلام کرد، به عنوان اقدام متقابل در برابر استقرار موشکهای آمریکایی "کروز" در اروپای غربی، در حال حاضر در اتحاد شوروی، موشکهای بالدار زمین به زمین با برد بلند در دست آزمایش است. در بیانیه وزارت دفاع اتحاد شوروی آمده است، این کشور در تلاش به منظور جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی در بعد خطرناک و جدید آن، بارها به ایالات متحده آمریکا پیشنهاد کرد، درباره منع تولید و استقرار موشکهای بالدار با برد بلند، توافق شود. اما "این پیشنهاد مورد پذیرش دولت آمریکا قرار نگرفت. دولت آمریکا همچنین به هشدار اتحاد شوروی مبنی بر اینکه این کشور تولید موشکهای بالدار از این نوع توسط آمریکا را بی جواب نخواهد گذاشت، توجه نکرد. آمریکا دست اندرکار استقرار دسته دسته موشکهای بالدار برد بلند گردید، و از دسامبر ۱۹۸۳ بدین سو، این نوع موشکهای زمین به زمین را در برخی از کشورهای اروپای غربی مستقر می سازد."

در ادامه بیانیه، که از سوی خبرگزاری شوروی تاس منتشر شد، اعلام گردیده است: اتحاد شوروی با هدف تضمین امنیت خود و سایر کشورهای عضو پیمان ورشو، دست به اقدامات متقابل ضروری زده است و "در حال حاضر در اتحاد شوروی موشکهای بالدار زمین به زمین با برد بلند با موفقیت در دست آزمایش است." وزارت دفاع شوروی همچنین افزود: "اتحاد شوروی هر آنچه ضروری است انجام خواهد داد تا محدود ساختن و کاهش واقعی این سلاحها تحقق یابد. اما اگر دولت آمریکا همچنان بدنبال آن باشد که برتری نظامی کسب کند، اتحاد شوروی در آینده نیز ناگزیر خواهد بود اقدامات متقابل انجام دهد تا توازن قوا میان دو کشور و بین پیمان ورشو و ناتو برهم نخورد."

اعدام مخالفان جنگ در عراق

"کمیته بین المللی همبستگی با مردم عراق" اعلام کرد: حکومت عراق پیوسته شیوه های انتقام گیری خشونت آمیزتری را در مقابل شهروندان و نظامیان مخالف جنگ به کار می بندد. در فرخوان این کمیته آمده است بین دسامبر ۱۹۸۳ و فوریه ۱۹۸۴ مرگ ۶۷۰ زندانی سیاسی توسط ارگانهای حکومتی عراق به اطلاع خانواده های آنان رسید. این زندانیان، بر اثر آزار و شکنجه شدید، به قتل رسیدند. همچنین گزارشهایی حاکی از آن است که رژیم عراق جوخه های

آتش ویژه کشتار نظامیان مخالف جنگ تشکیل داده است. شهروندان را مجبور می سازند تا در مراسم علنی تیر باران شرکت جویند.

در روزهای ششم، هفتم و هشتم مارس، ۶۰ سرباز یک پادگان در سلیمانیه به جوخه آتش سپرده شدند. همچنین در حله، المحول، نجف کربلا و خانقین بیش از صد ها نفر اعدام گردیده اند.

کمیته بین المللی همبستگی با مردم عراق این اقدامات را که نقض حقوق بشر است محکوم کرده و از همه سازمانها و اتحادیه های ملی و بین المللی خواسته است علیه این جنایات اعتراض نموده و همبستگی با مردم عراق را تقویت کنند.

اعتصاب در ۱۹ بندر بریتانیا

کارگران ۱۹ بندر از مهمترین بنادر بریتانیا دست به اعتصاب زدند. آنها اعتصاب خود را از روز جمعه ۲۴ اوت به منظور اعلام همبستگی با معدنچیان بریتانیا، که شش ماه است در اعتصاب به سر می برند، نخست در ۱۲ بندر مهم اسکاتلند و سپس در بندر لیورپول، لندن و هال، آغاز کردند.

در سایر بنادر، از جمله در بندر "دور"، تصمیم در باره اعتصاب در طول این هفته گرفته خواهد شد. این دومین بار در عرض دو ماه است که کارگران بنادر بریتانیا دست به اعتصاب میزنند. از سوی دیگر، تا کنون ۱۴ رهبر سندیکا از دولت بریتانیا خواسته اند با اتحادیه معدنچیان وارد مذاکره شود. کارگران معدن، علیه برنامه تعطیل ۲۰ معدن و اخراج ۲۰ هزار کارگر مبارزه می کنند.

نیکاراگوئه: یک هواپیمای

ضد انقلابیون سرنگون شد

روز سه شنبه ۱۲۸ اوت، وزارت دفاع نیکاراگوئه اعلام کرد: یک واحد پدافند هوایی نیکاراگوئه هواپیمایی از نوع "سی ۴۷" را که برای باند های ضد انقلابی مهمات و تجهیزات دیگر حمل می نمود، سرنگون ساخت. این هواپیمای که از خاک هند و راس برخاسته و به حریم هوایی نیکاراگوئه تجاوز کرده بود، در نزدیکی شهر "کویلالی" در استان شمالی "نواسگوویا" هدف آتش پدافند هوایی قرار گرفت. همچنین ۳۶ ضد انقلابی طی درگیری با ارتش خلقی ساندنیست به هلاکت رسیدند. دو ضد انقلابی و چهار تن از همدستان آنان اسیر شدند. تلفات ارتش ساندنیست، چهار نفر بود.

از سوی دیگر، سه حزب دست راستی در نیکاراگوئه، بنا به تصمیم شورای ملی احزاب سیاسی این کشور و طبق قانون احزاب، رسمیت خود را به عنوان حزب از دست دادند. توماس بورخه، وزیر کشور نیکاراگوئه، طی نطقی بمناسبت پنجمین سالگرد تأسیس سرویس امنیت دولتی در ماناگوآ، اظهار داشت تحریم انتخابات توسط احزاب نامبرده، در چارچوب استراتژی آمریکا قابل بررسی است.

یورش وسیع به خلق کرد و ...

بقیه از صفحه ۳

پشت سردارند، توانسته اند مجموعه عملیات سی را که با آغاز فصل گرما از جانب نیروهای سرکوبگر رژیم در پیش گرفته شد، ماست، ناکام گذاشته و ضربات سختی را به آنان وارد سازند.

عدم موفقیت این عملیات همچنان که در شماره های پیشین "اکثريت" متذکر شدیم ماشین جنگی رژیم را دم هارتر می سازد و سرکوبگران را به سمت بهره گیری هر چه وسیع تر از تاکتیک ضد خلقی و حیوانی "زمین سوخته" - که ثمره تجربیات امپریالیسم در به خاک و خون کشیدن خلقهای به پا خاسته مسلح است - سوق می دهد. در همین رابطه است که رژیم بویژه در اطراف سردشت که برای نیروهای پیشمرگ یک نقطه استراتژیک محسوب می شود - روستایان بسیاری را به زور اسلحه و ادا به ترک روستاهای خود ساخته و با توپ و خمپاره کلبه های گلین آنها را با خاک یکسان می سازد. این اقدام وحشیانه، کینه انقلابی خلق کرد نسبت به رژیم را بیش از پیش شعله و رساخته و دستهای پینه بسته بیستری را برای برداشتن سلاح و شلیک به سوی سرکوبگران خلق، داوطلب خواهد ساخت.

جنبش خلق کرد آنچنان توانمند است که رژیم جمهوری ایلامی برای به خاک و خون کشیدن آن، ماشین جنگی خود را کافی ندانسته و از برادر "ناتویی" خود ترکیه نیز کمک طلبیده است. همزمان با حمله گسترده اخیر رژیم به نیروهای پیشمرگ، بنا به یک توافق قبلی که در جریان سفر اخیر لایتی، وزیر امور خارجه به ترکیه و استانداران وان ترکیه بسته - آذربایجان غربی صورت گرفت، یک لشکر ۴۰۰ نفره از نیروهای ویژه نظامی ترکیه نیز، هم به قصد سرکوب خلق کرد در ترکیه و هم به منظور یاری رساندن به جمهوری اسلامی، دست به حمله گسترده ای در "دیار سکر" زد و تا ۲۲ کیلومتر در خاک ایران و ۱۴ کیلومتر در خاک عراق پیشروی کرد. رژیم حاکم بر ایران چنان کینه وحشیانه ای از خلق کرد به دل گرفته است که می توان گفت عملاً با عراق نیز در سرکوب این خلق، به توافق رسیده است. این توافق عملی با وساطت ترکیه صورت گرفته که همزمان، در تعقیب پیشمرگان کرد، به خاک هر دو کشور وارد شده است.

در حالی که یورش به خلق کرد با چنین ابعاد وسیعی صورت می گیرد، سخنگوی قرارگاه حمزه سه هفته پیش اعلام داشت که "هرگاه مقتضی بدانیم و بفهمیم که دیگر، گروهکها به آغوش اسلام باز نمی گردند (!) عملیات وسیع خود را در کردستان شروع خواهیم کرد" (۱) (کیران - ۱۵ مرداد) پاسخ خلق کرد به این لافزنی های وقیحانه این است که اگر تمام ماشین جنگیتان را در کردستان مستقر کنید و ارتش ناتویی ترکیه را نیز به یاری بخواهید، باز هم نخواهید توانست مشعل برافروخته جنبش را خاموش سازید!



جنايات بی حد و بند

هیچ روزی نمی شود که گروهی از فرزندان خلق در زندانهای مخوف رژیم به شهادت نرسند. تنهاد رشیراز در طول يك ماه ۵۰ نفر به جوخه ها اعدام سپرده شدند. شکل اعدام هشت تن از این رزمندگان راه پهریزی مردم، بخایست جنايتكارانه بود. آنها را با گرفتن خون و کارد و وسایل خفه کننده به شهادت رساندند. اجساد این قربانیان بهیچ وجه قابل شناسایی نبودند. در زیر گلی آنها نیز جای زخم وجود داشت.

جنبش کارگری در ستن با مرتجعین

مبارزات کارگران علیه سیاست ضد کارگری و ضد مردمی حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی رو به گسترش است. طبقه کارگر که نقش اصلی را در سرنگونی رژیم سرسپرده شاه و تاراندن کلان سرمایه داران غارتگر داشت، نظاره گر خاموش خیانت مرتجعین حاکم نموده است. کارگران که هر روز بیشتر از پیش به ضد مردمی بودن سیاستها و عملکرد حاکمیت آگاهی می یابند، ضمن ابراز انزجار نسبت به آن، در راه کسب حقوق صنفی خود از قبیل افزایش دستمزد، مسکن، تشکله، حق بهره وری، طرح طبقه بندی مشاغل، تامین مسکن کارگری، امنیت شغلی، ایمنی کار... مبارزه می نمایند. آنها در این راه علاوه بر سلاح نیرومند اعتصاب، اشکال متنوع دیگری را هم به کار می گیرند. از میان جموع کارکنان کارگری رسیده، فشرده ای از چند حرکت کارگری را ذکر می کنیم:

★ در کارخانه جنرال صنعتی، اعتصاب کارگران برای دریافت حق بهره وری و دستمزد ایام مرخصی پس از سه روز با موفقیت به پایان می رسد.

★ کارگران کارخانه ارج برای تغییر ساعت شیفت کار دست به اعتصاب زدند. از سوی مدیریت هشت تن از کارگران مبارز احراج شدند و لی بسا وجود این کارگران مقاومت کردند و بالاخره به پیروزی رسیدند. مبارزه کارگران این کارخانه برای دریافت سهمیه شان از تولید همچنان ادامه دارد. سهمیه کارگران به دستور وزیر کار احمد توکلی قطع شده بود.

★ اخراج کارگران توسط مدیریت کارخانه لوله سازی (واقع در جاده ساوه) و فساد حاکم بر این واحد تولیدی به واکنش خشمگین کارگران منجر می شود. کارگران مدیر کارخانه را بیرون می کنند.

★ در کارخانه تولید پرس هیدرولیک، مبارزه کارگران برای افزایش دستمزد تاکنون به نتیجه

نرسیده است. فقدان سازماندهی مناسب در کار مبارزه شان خلل وارد کرده است.

★ کارگران کارخانه بنزخا و به دستور رسمی دولت مبنی بر عدم تعطیل روز اول ماه مسه توجهی نکردند. بعد از ظهر این روز عملاً کارخانه تعطیل شده بود.

★ در شیراز کارگران کارخانه کاشی سعدی، با پیگیری موفق می شوند علیه مدیریت کار، مدیریت را وادار به پذیرش افزایش دستمزد نمایند.

★ مبارزه کارگران و احد تولیدی جامکو برای دریافت عیدی و نیز پاداش تولید به نتیجه انجامید. کارگران این واحد، اعتراض یکپارچه خود را، از جمله به شکل "قاشق زنی" بیان می داشتند.

★ در کربان تایر مبارزه مستند کارگران به افزایش سطح دستمزد انجامید.

★ اقدامات ضد کارگری مدیریت کارخانه چیت سازی تهران و از جمله اخراج سه تن از کارگران و اکتش خشه گینی برمی انگیزد. در نتیجه آن مدیریت کارخانه توسط کارگران اخراجی و با همراهی دیگر کارگران، مضروب و در بیمارستان بستری می شود.

★ در ایران سیلند رکه اخیر به بخش خصوصی واگذار شد، تصمیم کارفرما مبنی بر سه شیفته شدن کار، با مخالفت کارگران مواجه گشته و معلوم می ماند.

★ در واحد تولیدی بوتان مدیریت تصمیم می گیرد که حق اضافه کاری را کاهش دهد. مقاومت یکپارچه کارگران مدیریت را به عقب نشینی واداشته و طرح عقیم می ماند.

★ به دنبال مبارزات کارگران کارخانه چیت ممتاز، مسئولین بناگیز پذیرفتند، تا طرح طبقه بندی مشاغل در این کارخانه اجرا شود. در پی آن کارگران برای گزینش نمایندگان خود برای شرکت در کمیته اجرای این طرح، تشکیل جلسه دادند. در مقابل کاندیداهای مورد حمایت انجمن اسلامی، دو کارگری که عضو شورای سابق کارخانه بودند، نیز کاندید شدند. شورای کارخانه بخاطر دفاع از منافع کارگران قبلاً توسط مسئولین منحل شده بود. نتیجه انتخابات در حقیقت حکم محکومیت مسئولینی بود که شورای منحل، کرد میبوند.

کارگران بارای قاطع، و عضو شورای منحل شده را به نمایندگی برگزیدند. در حالیکه تعداد آراء انتخاب شدگان ۱۶۰۰ و ۱۴۰۰ بود، کاندیدای انجمن اسلامی تنها ۶۰ رای می آورد!

★ در کارخانه دن پاکستان (که فرآورده های تزریقی تولید می کند) باز دید یکی از مقامات سازمان صنایع ملی ایران، فرصتی شد تا کارگران مطالبات خود را یکبار دیگر طرح نمایند. کارگران با برپایی اجتماع مقام مذکور را ناگزیری کنند با آنها به گفتگو بنشینند. کارگران خواستار افزایش سطح دستمزد و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل بودند. در برابر بر فشارهای کارگران مقام فوق می پذیرد که دستمزد کارگران تا ۳۰ درصد افزایش

یابد. اما اجرای آن و همچنین اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، را موقوف به باز دید هیات ملی کارشناسان از کارخانه می کند.

چندی بعد کارشناسان سازمان صنایع ملی به کارخانه می آیند. اما به جای گفتگو با کارگران تنها با مدیران کارخانه تماس می گیرند. کارگران یکبار دیگر گرد آمده و به سرعت از میان نمایندگان را برمیگزینند. نمایندگان که از حمایت کارگران برخوردار بودند هیئت راناجاریه مذاکره و پذیرش خواسته های خود می نمایند.

اگرچه هنوز قول مسئولین اجرا نشده است و لی کارگران مصمم هستند عقب نشسته و مبارزه را دنبال کنند. بقیه در صفحه ۱۰

با جمع آوری کمک مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید!

کمک های مالی رسیده

۱۰۰۰ دلار	رفیق مصطفی
۱۰۰ روپیه	رفیق افغانی
۵۲۰ فرانک	رفقای جنوب فرانسه
۵۰ مارك	رفیق بهمن (برمن)
	از محل هدایای عروسی
۳۰۰ دلار	درس آنجلس
۱۵۰ روپیه	عباس از پاکستان

هزینه جاب این شماره "اکثريت" را

رفقای فدایی در شهریور نا (هندوستان)

تأمین کردند

AKSARIYAT

NO22

FRIDAY, 31 AUGUST 84

آدرس

POSTFACH 23007
6500 MAINZ 23
W. GERMANY

آلمان فدرال

P.O. BOX 101
LONDON N17 8YU
ENGLAND

انگلستان

P.O. BOX 88158
LOS ANGELES, CA 90088
USA

ایالات متحده

C.P. 3125
00122 OSTIA LIDO (ROMA)
ITALY

ایتالیا

P.O. BOX NO 3018
NEW DELHI - 110003
INDIA

هندوستان

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا!